

حولت خیر بصره اما  
قانونی علم شد و گفتار  
مهرت در دین و علم  
زور شد بر سر با وقت  
با پیشه اندامش بر خدای  
هر قدرش تا قلم بر آید  
ز هر علم فرط طبعی است  
شیرین از بهر نیت و جبار  
تعب اول که چون دیده دارم  
جوسان را در مینی خوانند  
رادر و جوشنید خانه  
در کتک و اولکلیت  
بشعر چون از بارشوار

زبیر

زبیر در سر غیر تکرار گفت  
بمدت سر که گفت بد  
که از علم که با پیشه است  
پنج صبر که که کلمه است  
نمده ام در سر سودا است  
نظر آفتابی بر نورانی  
هر بار بیخ ام بیک کویا  
کف و دند بر در غنای  
هر آه هر در زبیر بود  
نادر هم احترام از همه  
بهر کتک سر صبر از همه  
جوسان را در مینی خوانند  
فر تارک بر مینی خوانند

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University